

ارزیابی معیارهای مؤثر بر خاطره‌انگیزی و تصویرپذیری فضاهای شهری (نمونه موردنی: خیابان ولی‌عصر تهران)

سروش کرمی^{*}، عباس فخرایی^{**}، سانا زکرمی^{***}، محمد مهدی رسولی^{****}

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۳/۴

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۵/۵/۱

چکیده

هدف از این پژوهش، بررسی رابطه بین انباست خاطره بر کیفیت ادراک، شناسایی و بررسی فاکتورهای موثر بر خاطره-انگیزی و تصویرپذیری فضاهای شهری در یک نمونه موردنی است تا با شفافسازی چارچوب نظری این کیفیت، بتواند به برنامه‌ریزان، طراحان شهری در جهت بهبود ارتباط شهروندان با فضاهای شهری کمک کند. در این تحقیق، خیابان ولی‌عصر در شهر تهران به عنوان محدوده مطالعاتی برگزیده شده است. این پژوهش از نوع کاربردی و روش تحقیق مبتنی بر آمار استنباطی است. نتایج تحقیق بیانگر آن است که حوزه‌های فعالیت و معنا از نظر کاربران واحد اهمیت بیشتری نسبت به عناصر کالبدی است. در واقع، برنامه‌ریزی برای بهبود عامل کالبدی نیز بایستی در جهت افزایش امکان شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع و نیز بهبود تصویر و سیمای محیط در ذهن کاربران فضا باشد تا موجب ارتقای میراث هویت و خاطرات جمعی و تجمع میراث ناشی از زندگی هر روزه شهروندان در محیط‌های شهری گردد.

کلمات کلیدی

فضای شهری، خاطرات جمعی، سیمای محیط، خاطره انگیزی، تصویرپذیری

Email: soroush_karami@yahoo.com

Email: abbas.fakhraee18@gmail.com

* مدرس مدعو گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران.

** عضو هیئت علمی گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران.

*** کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران.

**** کارشناسی ارشد معماری داخلی، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد همدان، ایران

مقدمه

محیط یکی از عوامل اصلی شکل‌دهنده به هویت انسان است. محیط از آن جهت که تجلی کالبدی باورها و ارزش‌های فرهنگی جامعه است، می‌تواند در احساس هویت یا بی‌هویتی تاثیرگذار باشد (حبیب و دیگران، ۱۴:۱۳۸۷). محیط شهری برای ساکن آن نقش ظرف تمامی تجربیات فردی و جمعی را دارد و در این میان ارتباط تجمع خاطره‌های شهرنشینان و عامل زمان موجب ایجاد خوانش‌های متفاوت و پژوهش‌های گستردۀ در زمینه ارتباط مداخلات و توسعه‌های جدید در متن شهر و تعامل نسل‌های متفاوت کالبد و محتوا در کنار یکدیگر است. این همنشینی، گفته ویلیام فالکتر را به یاد می‌آورد، که "گذشته هیچ گاه نمرده است، در حقیقت حتی سپری نشده است." به دلیل همین ارتباطات است که گرایش‌ها به سمت برنامه‌ریزی در جهت افزایش خاطره‌انگیزی و تصویرپذیری محیط‌های شهری با نظر به هویت و میراث خاطرات شهروندان و توجه به ایجاد تداوم تجربیات شهری با رویکردی مشارکتی است. پیوستگی و تداوم حیات شهری همواره در اندرکنشی با خاطره انگیزی حیات هر روزه پدید می‌آید. چنانکه هانری لفور در کتاب تولید فضا (Lefebvre, 1991) غنا و پویایی محیط‌های شهری را واپسیه به تجمع هویت و معنا در قالب زندگی هر روزه می‌داند و می‌توان گفت ارتقای کیفیت زندگی شهروندان در بستر محیط شهری ناشی از تلفیق کیفیات گوناگون است (Sternberg, 2000). لاجرم به کلیه ابعاد حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و کالبدی نظام شهری مرتبط می‌شود (گلکار، ۷۴:۱۳۸۶). در این راستا، سوالاتی که مطرح می‌شود این است که انباست خاطره چگونه بر ارتباط شهر و شهروندان و کیفیت زندگی آنان اثر می‌گذارد؟ و دوم اینکه مدیران، برنامه‌ریزان، طراحان شهری برای بهبود ارتباط شهروندان و محیط سکونت آنها و افزایش خاطره‌انگیزی و تصویرپذیری محیط‌های شهری باشی‌باشی را مورد مطالعه و بررسی قرار داده و چگونه از مشارکت کاربران فضا در جهت تدوین چشم اندازهای توسعه‌های آتی و حفظ ارزش‌های موجود بهره‌مند شوند؟.

شهر، خاطره، هویت

آشناینداری شهرنشین با محل سکونت اش در فرآیندی از تجربه و آموزش ایجاد شده، و تفاوت حس مکانی در اشخاص در شهرها و بافت‌های مختلف نتیجه تفاوت تجربیات حاصل از فعالیت‌ها و فضاهای است. این فرآیند آشناینداری در شهرنشین به دلیل ارتباط او با سکونتش در قالب خاطره‌سازی و ایجاد نوعی هویت براساس خوانش او از ریشه‌دار بودن اقامت در سکونتگاه و نوعی در آنجا بودن مدام است. خوانشی که شهر-خاطره را همچون تصویری دنباله‌دار و چون متنی که در طول زمان و در طی توسعه‌های متمادی همچنان در حال نوشته شدن است، در ذهن می‌آورد. والتر بنیامین (Benjamin, 1999) شهر را کتابی حماسی می‌داند که حاصل به خاطرسپاری‌های انسان پرسه زن^۱ در شهر است. با این خوانش است که شهر را چون لایه‌های متعدد دیرینه شناسانه در مقابل دیدگان شهرنشین قرار می‌دهد. منظری هزارتو که اثراتی از حیات، فرهنگ، سنت‌ها و واقعی پیشین در آن حفظ شده است. مامفورد (Mumford, 1981) بر ارتباط میان زمان و فضای شهری تأکید می‌کند. شهرهایی که محصول زمان بوده و چون قالب‌هایی هستند که حیات متمادی انسان در آنها منجمد می‌شود. در این میان نه تنها یادبودها و ساختمان‌ها، بلکه قطعات رفتارهای اجتماعی، سنت‌ها و رسومات و فعالیت‌های شاخص نیز می‌توانند در محیط شهری باقی مانده و مشاهده شوند. آلدو روSSI (Rossi, 1984) نیز شهر را بایگانی‌ای از خاطرات شخصی و جمعی می‌داند که پیشامدهای انسانی در لایه‌های مختلف در آن ثبت می‌شوند (Groat, 2000).

بخشی از متن مرتبط با بحث خوانش شهر-خاطره پس از بحث ژاک دریدا در زمینه پارادوکس دوگانه‌های حضور-غیاب و گذشته-حال با ابداع نو-واژه "هانتولوژی"^۲ در مقابل "هستی شناسی"^۳ به حضور شب‌وار گذشته و حیات آن در حال می‌پردازد (Derrida, 1994:10). این جهت‌گیری به تفسیر تاریخ با شکستن دوگانگی‌های مذکور موجب توجه مجدد به استعاره "پالیمسیست رومی" فروید (Freud, 1989) شد. لغت یونانی "پالیمسیست" متشکل از دو بخش "پالیم" (Palim) به معنای مجدد و "سستوس" (Pestos) به معنای ساییدن و پاک کردن است و به معنای ساییدن و پاک کردن متن موجود

مطالعات محیطی هفت حصار شماره هفدهم / سال پنجم / پیاپی ۱۳۹۵

روی پاپیروس و نوشتن متن جدید روی آن است، در حین این که اثر نوشتۀ‌های پیشین در آن نمایان باشد. فروید این استعاره را در اشاره به شباهت میان ساخت لایه‌ای شهر و روان بشر به کار برد و مقصود او از این واژه ادامه حیات تمامی مراحل اولیه توسعه در کنار آخرين آنها است. بیان کنندگی این استعاره در زمینه طرح حیات گذشته و حال در کنار هم و رازگونگی تصور متن گذشته شهر از روی آثار به یادگار مانده و نه مشاهده کامل آن موجب استفاده واژه پالیمسست در ادبیات مرتبط با حیات خاطره و فرهنگ در شهر و نوع خوانش آن شد. ویژگی چند لایه‌ای توسعه شهر در قرون متعددی و حذفها و اضافات که به کاوشگر اجازه خوانش شهر را به عنوان ترکیبی از قصه‌های بیشمار می‌دهد. مانایی گذشته در ریخت امروزی شهر می‌تواند خود را به صورت تباین شدید و آشوبی گیج‌کننده نمایان کند که در عین حال به صورت اجزای یک تصویر هماهنگ و واحد هارمونی با کل ظاهر می‌شود(Busa,2010:159).

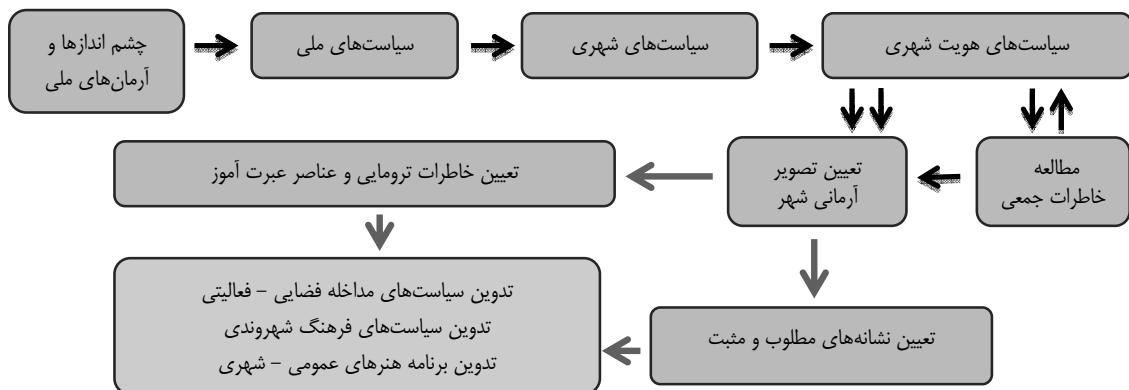
سیاست‌های شهری در زمینه هویت و خاطرات شهری

مسئله جهت‌دهی به خاطرات جمعی^۴ از طرف سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان شهری در راستای سیاست‌های ایجاد هویت جمعی در بسیاری از متون مرتبط با ارتباط خاطره، فرهنگ، هویت و زندگی هر روزه به نقد کشیده شده است. مسائل حساس در این حوزه عبارتند از امکان شکل‌گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر(میرمقتدایی،۱۳۸۸)، دستکاری و سیاست‌های گزینش خاطرات جمعی(Huyssen,1997 & 2003; Ladd,1997 & 2003; Crinson,2005)؛ جهانی شدن و محو یکتایی خاطرات شهرها(Assmann and Conrad,2010) و تعیین هویت تاریخی و فرآیند ایجاد هویت ایده آل(Crinson,2005) که نه به طور جداگانه، بلکه با ارتباط بسیار نزدیک با یکدیگر از طرف پژوهشگران حوزه‌های جامعه‌شناسی، سیاست، برنامه‌ریزی، معماری، تاریخ، فلسفه و فرهنگ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. می‌توان اذعان داشت که روش دیالوگ شهر و خاطرات بر تمامی ابعاد زمانی شهر پرتو می‌افکند. تفسیر شهر و شهرنشینان از گذشته ناگزیر بر چشم انداز آینده شهر تاثیر می‌گذارد. چرا که خاطره در شهر یک رونوشت از پیشامدهای گذشته نبوده و در یک استعاره پالیمسستی ساز و کار تفسیر، خوانش و انتخاب است(Busa,2010:159). بررسی تعامل شهر در ارتباط با گذشته‌اش برای ساخت هویت شهری ضروری است و می‌توان گفت خاطره حاصل، دستکاری گذشته از طریق فرآیند انتخاب است(Huyssen,1997:58). در سیاست‌های شهری، راهبردهای هویتسازی و دستکاری حافظه جمعی از جمله ایجاد مکان، منظره‌سازی، بازاریابی شهر و اقدامات فستیوالی از طریق فرآیند سیاست‌گذاری و مداخله در خاطرات جمعی شهر با پرنگ نمودن لحظاتی خاص از تاریخ شهر از طریق تأکید فیزیکی و فعالیتی و برنده‌سازی نشانه‌های آن، و حذف ترومایی و قایع و پیشامدهای ناگوار با پاکسازی یا تغییرات عمدۀ کالبدی نشانه‌های بارزی که خوانش واقعه را ممکن می‌سازند، صورت می‌پذیرد (تصویر ۱).

ایجاد تئاترهای خاطره با شخص‌سازی بخش‌های به خصوص و حذف یا نهان کردن بخش‌های نامطلوب به لحاظ اهداف سیاست‌گذاران با وجود این که تاریخی تحریف شده و با حذف میزان زیادی از حافظه شهری همراه است، اما همین امر می‌تواند باعث پیدایش حس نوستالژی برای شهروندان و گردشگران بشود. هم اکنون وسوسی جهانی در زمینه تجلیل از خاطرات شهری همسو با ایده‌آل‌های حال حاضر جوامع و یادبودگرایی و در عین حال تحریف خاطرات شوک‌آور وجود دارد(Huyssen,2003). این شکل از رهیافت‌های منتهی به حذف یا ابداع مجدد فضا، کالبد و فعالیت سابقه‌ای طولانی‌تر از مطالعات مطرح شده دارند. به عنوان مثال تلاش ناموفق پروژه "شهرستان پهلوی" در دهه ۱۳۵۰-۱۳۴۰ برای تغییر نقش اقتصاد بافت سنتی بازار به منطقه‌ای برای گردشگران و تغییر زمان کالبدی- بصری آن، از زمان حال به گذشته‌ای دور و ایجاد یک مرکز جدید معتبر شهری در اراضی عباس آباد که می‌باشد با تصویری که محمدرضا پهلوی از پایتخت قرن بیست و یکم برای خود ساخته بود مطابقت داشته باشد. همین باعث دخالت ناگهانی او در سیاست‌های شهری شد(اورکاد،- ۱۳۷۵:۲۳۶) و یا در کتاب "خاطره شهری"(Crinson,2005) اشاره به شهرهایی می‌شود که پیش از این سایت‌های صنعتی پیشتاز و مراکز فرهنگ مدرن بوده‌اند و هم اکنون در طی روند صنعتی‌زادی به دنبال ابداع مجدد هویت و ایجاد نوستالژی دوره رونق صنعتی خود در قالب تئاترهای خاطره هستند. نمونه‌های مهم دیگر در زمینه این مداخلات مطالعه حذف و تغییر تصویر و خاطرات نامطلوب ناشی از یک واقعه ناگوار همچون مورد نیویورک(Huyssen,2003) و یا تغییرات

ایجاد شده در نشانه‌های مرتبط با دوران جدایی آلمان شرقی و غربی در شهر برلین و تلاش در جهت ایجاد هویت شهری جدید در جامعه پس از اتحاد مجدد آلمان است (Huyssen, 1997).

شکل ۱ - فرآیند تدوین سیاست‌های خاطره شهری (منبع: نگارندگان)



تبیین مولفه‌های ارتقای خاطره انجیزی محیط‌های شهری با تاکید بر هویت، فرهنگ

خاطره انجیزی محیط شهری کیفیتی است که قدرت ثبت وقایع و حال و هوای یک فضای شهری در ذهن در ارتباط با بستر سکونت است و این ارتباط دائمی در قالب انباشت تجربیات شهری جزئی از فرآیند تشکیل مکان و ایجاد حس تعلق به محیط‌های شهری است (Sime, 1995). می‌توان اظهار داشت که خاطره انجیزی پدیداری اجتماعی-فضایی است که در تعامل شهر و شهریوند شکل می‌گیرد. این کیفیت محصولی نیست که بتوان آن را با اقدامی دفعی و یکباره تولید کرد، بلکه خاطره انجیزی را باید فرآیندی از آفرینش مستمر محسوب کنیم که برای هدایت و کنترل آن نیازمند تدبیری از سخن برنامه‌ریزی و مدیریت راهبردی هستیم.

در رویکردهای نوین آفرینش کیفیت خاطره انجیزی در شهر، نقش مشارکت شهریوندان نقشی جوهري است و تعمیق تجربه حسی شهریوندان از محیط‌های شهری و امکان مداخله و مشخص کردن فضاهای از آن به ایجاد «رنگ تعلق» نام برده می‌شود از گام‌های اساسی در این مرور است (گلکار، ۷۴:۱۳۸۶). برای ارتقای این ارتباط، قدم اول تلفیق مطالعات و پژوهش‌های حوزه فرهنگ، هویت و خاطره شهری با فرآیندهای برنامه‌ریزی است (Hurley, 2010:196). در این راستا برای ایجاد چارچوبی مشارکتی، ابتدا بایستی مولفه‌های اصلی موثر در خاطره انجیزی محیط شهری با رویکرد هویت تبیین شود. در مرحله دوم، این ابعاد در محیط شهری هدف، با توجه به مولفه‌ها و معیارهای استخراج شده، مورد مطالعه قرار گرفته و در گام بعدی روش شدن دقیق ارتباط شهریوندان و محیط از طریق پرسشنامه و ابزارهای تحلیل پاسخ‌ها، خط راهنمای اقدامات آینده در جهت افزایش خاطره‌انجیزی و هویت، برای برنامه‌ریزان و طراحان شهری، نتیجه مطالعه خواهد بود.

یکی از تاثیرگذارترین پژوهش‌ها در راستای تعیین مولفه‌های ارتباط شهریوندان و محیط شهری، کتاب «روانشناسی مکان» (Canter, 1977) است. کانتر با ارائه مدل مکان، سه مولفه مشخصات کالبد، فعالیت و معنا (مفهوم) را ابعاد اصلی هرگونه پژوهش در زمینه ارتقای کیفیت رابطه مردم و محیط شهری با رویکرد هویت خاطره شهری در طرح‌های توسعه معرفی می‌کند. وضعیت کالبدی بعنوان ظرف زندگی هر روزه با فعالیت به عنوان هرآنچه در این ظرف کالبدی تجربه می‌شود و معنا به عنوان علت واقع شدن این فعالیت‌ها معرفی می‌شود که تغییر هر یک از این‌ها بر دیگر ابعاد موثر است و برنامه‌ها و طرح‌های توسعه بایستی هر سه جنبه را لحاظ نمایند (Ibid: 155-160). در اینجا با استفاده از پژوهش‌های مونتگمری (Montgomery, 1998&2003)، سایم (Sime, 1995)، استرنبرگ (Sternberg, 2000)، بالساس (Balsas, 2004)، گل (Gehl, 1987)، او دنال (O'donnell, 2008)، سلطانی و نامداریان (۱۳۸۹)، خستو و سعیدی (Balsas, 2004)، گل (Gehl, 1987)، او دنال (O'donnell, 2008)، سلطانی و نامداریان (۱۳۸۹)، خستو و سعیدی

رضوانی (۱۳۸۹) و لطفی (۱۳۹۰) که به تبیین معیارهای هر سه یا برخی از این حوزه‌های اصلی پرداخته‌اند، به تبیین معیارها و زیرمعیارها پرداخته شده است (جدول ۱).

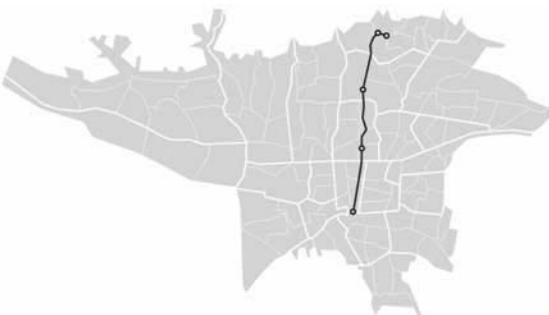
جدول ۱ - مدل استخراجی برای مطالعه حوزه‌های شکل‌گیری و حفظ هویت، خاطره و فرهنگ (منبع: نگارندگان)

انتخابی (تفریحی)		حوزه‌های هویت، خاطره و فرهنگ
اجتماعی	فعالیت	
اجباری		
عناصر طبیعی بستر مصنوع	کالبد	
تداعی معانی برانگیختگی و مطلوبیت منظر	معنا	

در شناخت خصوصیات کالبدی بایستی وضعیت عوامل طبیعی و بستر مصنوع مورد توجه قرار گیرد. مشخصات طبیعی از قبیل عنصر آب (نهر، رودخانه یا دریاچه)، پنهانه‌های سبز (باغات یا جنگل)، ارتفاعات و هرگونه عنصر مهم یا نشانه طبیعی اشاره کرد. در مطالعه خصوصیات کالبدی بستر مصنوع بایستی به بررسی نفوذپذیری، ریزدانگی، تنوع و جذابیت، تعدد و کیفیت عرصه‌ها و فضاهای عمومی، استفاده از فضای سبز و عنصر آب، سبک‌ها و دوره‌های تاریخی معماری بنها، المان‌های معماری به عنوان تصویر، نشانه‌ها، تحریک بصری و توجه به جزئیات، جداره‌های فعال خیابان و کیفیت تسهیلات و مبلمان شهری پرداخته شود. گل (Gehl, 1987)، فعالیت‌های شهری را به سه دسته عمده فعالیت‌های انتخابی (تفریحی)، اجتماعی و اجباری دسته‌بندی می‌کند. فعالیت‌های اجباری از قبیل کارکردهای شغلی، مراجعات اداری، عبور و مرور هدفمند و دیگر عملکردهایی که جنبه اجتماعی یا تفریحی ندارند. فعالیت اجتماعی مانند ملاقات دوستان، شرکت در فستیوال‌ها، جشن‌ها، نمایش‌ها و یا مناسبت‌های مهم محلی یا ملی، پیاده‌روی‌ها و یا تجمعات گروهی، اجتماعات خانوادگی، رشرکت در مراسم مذهبی و انواع دیگر تعاملات اجتماعی و فعالیت‌های تفریحی (انتخابی) مانند ورزش یا بازی، خلوت‌کردن یا قدمزدن، نشستن و استراحت، استفاده از رستوران یا کافه وجود کاربری‌ها و اقتصاد شبانگاهی، فعالیت‌های فرهنگی و دیگر تفریحات عمومی، محلی و یا موقعیتی و فصلی. مولفه معنا نیز به دو دسته تداعی معانی و برانگیختگی دسته‌بندی می‌شود (INHERIT, 2007). برانگیختگی عمدتاً متمرکز بر اثر مولفه کالبدی بر احساس کاربران نسبت به فضا و محیط است و شامل نشانه‌های شهری، بناهای شاخص، طراحی و سبک و عواملی از این قبیل است و تداعی معانی وابسته به حس تاریخ و پیشرفت ارتباط خاطره‌ای و عناصر هویت‌ساز و یا تصویر، فعالیت‌ها و عواملی که موجب هویت بخشی به محیط می‌شود (سلطانی و نامداریان، ۱۳۹۰).

روش‌شناسی تحقیق محدوده مورد مطالعه تحقیق

خیابان ولی‌عصر بلندترین خیابان شهر تهران و همچنین بلندترین خیابان خاورمیانه با درازای ۱۷.۹ کیلومتر است که از میدان راه‌آهن (۱۱۰۰ متر بلندی از سطح دریا) در میانه جنوبی تهران آغازشده و به میدان تجریش (۱۶۰۰ متر بلندی از سطح دریا) در منطقه شمیرانات در شمال تهران می‌رسد. خیابان ولی‌عصر که بسیاری آن را زیباترین خیابان تهران می‌دانند، در ۷ دی ۱۳۹۰ ثبت ملی شد. این خیابان دارای پیاده‌رو، جوی بزرگ آب و نزدیک یازده هزار چنار در دو سوی خود می‌باشد که نزدیک به ۹۰ سال عمر دارند و اکنون جزو میراث ملی به شمار می‌آیند. خیابان ولی‌عصر که به اعتقاد بسیاری مهتم‌ترین و شاخص‌ترین خیابان تهران است، به لحاظ زیبایی و شناساندن تاریخ و فرهنگ و هم به لحاظ سیاسی از اهمیت زیادی برخوردار است. بسیاری از مراکز خرید بزرگ، پارک‌های عمومی به سبک باغ‌های ایرانی، رستوران‌های معروف، موزه‌ها، مراکز فرهنگی و دفاتر ملی و بین‌المللی در این خیابان قرار دارند. این خیابان همچنین از کانون‌های سنتی خرید تهران است و بوستان‌های بزرگ ملت و ساعی در کناره این خیابان جای دارند.



شکل ۲ - موقعیت خیابان ولی عصر در شهر تهران (منبع: touristfa.ir)

مشاهده مستقیم جهت شناخت عناصر و ابعاد مختلف محیط و تنظیم معیارها و مشاهده غیرمستقیم (پرسشنامه) و تحلیل پاسخ‌های کاربران برای تعیین عوامل موثر بر خاطره انگیزی، کیفیت و مطلوبیت محور تجاری-فراغتی ولی عصر شهر تهران با تأکید بر نقش هویت و خاطره استفاده شده است.

روش تحقیق

در پژوهش حاضر از روش‌های تحلیلی آمار استنباطی برای رسیدن به اهداف و پاسخ به سوالات تحقیق بهره برداری شده است. در ابتدا با مطالعه متون مرتبط با هدف پژوهش، ابعاد و معیارهای لازم برای بررسی تاثیرات متقابل کیفیت خاطره انگیزی و ارتباط کاربران با محیط‌های شهری استخراج شده و تصویرپذیری، خاطره انگیزی و کیفیت محیط در یک مدل مکانی با سه مؤلفه کالبد، فعالیت و معنا مورد سنجش قرار گرفته اند. در این راستا از دو روش

حجم نمونه

فرآیند نمونه‌گیری به معنای علمی خود، علمی تکنیکی است که باید مطابق دستواعمل‌های استانداردی صورت گیرد تا از حداقل ثمر بخشی برخوردار باشد (مولر و دیگران، ۱۳۸۱؛ ۴۰۱). خطای استاندارد میانگین به حجم نمونه و به تغییر جمعیت مورد نمونه‌گیری بستگی دارد (مولر و دیگران، ۱۳۸۱؛ ۴۴۷). در این مطالعه خیابان ولی‌عصر تهران به عنوان یک جامعه آماری نامحدود^۵ در نظر گرفته شده و برای محاسبه حجم نمونه از فرمول زیر استفاده گردیده است:

$$n \geq \frac{z^2 \sigma^2}{d^2} \quad \rightarrow \quad n \geq \frac{1}{d^2}$$

z = 1.96

در این فرمول d نشان‌دهنده خطای قابل قبول، n مشخص کننده تعداد نمونه برای جوامع نامحدود و σ^2 واریانس صفت مورد نظر می‌باشد (Dickey and Watts, ۱۹۸۷:۶۷).

اعتبار^۶ و پایایی^۷ ابزار اندازه‌گیری

در این تحقیق، برای اندازه‌گیری متغیرها ابتدا با مور نوشتارهای نظری و تحقیقات پیشین، سؤالاتی در نظر گرفته شد. سپس سؤالات هر متغیر به تأیید نظر همکاران و متخصصین مربوطه رسید. بنابراین اعتبار پرسشنامه طراحی شده، اساساً مبتنی بر اعتبار صوری^۸ بوده و بر تعاریفی و نظریاتی استوار است که حوزه مفهومی شاخص‌های هویت و معنا در فضاهای شهری را در بر می‌گیرند. پرسشنامه تهیه شده، ابتدا با نمونه ۴۰ نفری مورد پیش‌آزمون^۹ قرار گرفت و ضریب پایایی آلفای کرونباخ^{۱۰} برای سؤالات هر متغیر محاسبه گردید و برخی سؤالات مبهم و بدون همبستگی کافی با دیگر سؤالات حذف شدند تا ضریب پایایی به حد قابل قبول بالای ۰/۷۰ برسد. چرا که در این روش، ابزار مورد نظر زمانی از پایایی مناسب برخوردار خواهد بود که ضریب آلفای کرونباخ بزرگتر یا مساوی ۰/۷ باشد (سانتوز، ۱۹۹۹). بنابراین در این تحقیق از دو روش ثبات درونی (Internal Consistency) و دو نیمه سازی (Split half) به منظور بررسی پایایی ابزار اندازه‌گیری استفاده شد. در جدول ۲ نتایج مربوط به محاسبه ضریب پایایی آلفای کرونباخ و همچنین ضریب اسپیرمن برآورده برای بررسی همبستگی میان دو نیمه هر یک از پرسشنامه‌ها، پس از حذف سؤالات مبهم و غیر مرتبط آمده است:

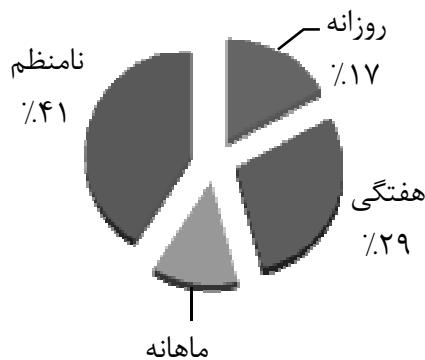
جدول ۲: ضریب پایایی آلفای کرونباخ و ضریب همبستگی اسپیرمن برآورده منبع: نگارندهان

Variable	تعداد سؤالات	N	Cronbach's Alpha	Spearman-Brown
Activity	11	210	0/72	0/75
Form	15	210	0/81	0/89
Image/Meaning	12	210	0/76	0/81

با توجه به جدول فوق، ضریب پایابی آلفای کرونباخ برای سؤالات هر یک از متغیرهای مورد بررسی بالاتر از ۰/۷۰ است، که نشان‌دهنده همسانی درونی بالای بین سوالات و پایابی ابزار اندازه‌گیری است. چرا که به طور ایده‌آل، ضریب پایابی یک مقیاس باید بالای ۰/۷۰ باشد (د. ولیس، ۲۰۰۳). همچنین با توجه به ضریب همبستگی اسپیرمن براون، شدت رابطه بین دو نیمه پرسشنامه فعالیت ۰/۷۵ و بین دو نیمه پرسشنامه فرم و کالبد ۰/۸۹ و برای سوالات معنا ۰/۷۸ می‌باشد که نشان‌دهنده وجود همبستگی قوی بین دو نیمه هر یک از پرسشنامه‌ها و پایابی ابزار اندازه‌گیری در این تحقیق است.

یافته‌های پژوهش

بر طبق اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه‌ها، اکثریت کاربران خیابان ولی‌عصر (۷۳ درصد) در بازه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال قرار دارند. با توجه به شکل شماره ۳ مشخص می‌شود که ۴۶ درصد از پرسش شوندگان در هفته حداقل یکبار به این مسیر مراجعت می‌کنند و همین آمار نشان دهنده اهمیت بالای این محدوده در شهر تهران است.

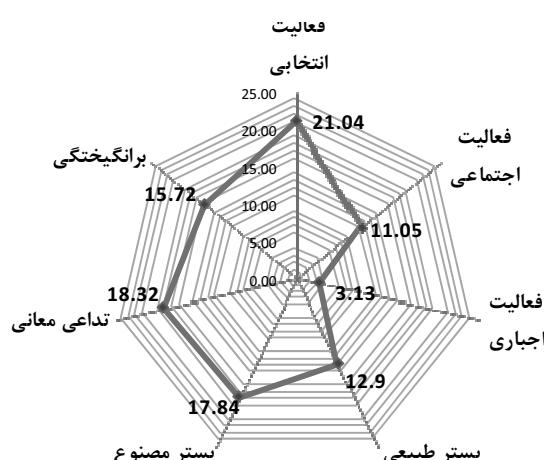


شکل ۳- الگوی مراجعت کاربران به خیابان ولی‌عصر
منبع: نگارندگان

وضعیت شاخص‌های حفظ هویت، خاطره و فرهنگ در خاطره‌انگیزی خیابان ولی‌عصر که با مشاهده مستقیم توسط نگارندگان استخراج و اهمیت آنها از نظر پرسش شوندگان، از طریق تحلیل پرسشنامه‌ها بدست آمده است. با توجه به نتایج ارایه شده در جدول شماره ۳ مشاهده می‌شود که از نظر کاربران فعالیت‌های انتخابی (تفریحی) ۲۱/۰۴ (درصد) مهمترین عامل خاطره‌ساز خیابان ولی‌عصر بوده و پس از آن فاکتورهای بستر مصنوع، عوامل تداعی کننده معانی، برانگیختگی کیفیت بستر طبیعی، فعالیت‌های اجتماعی و فعالیت‌های اجباری در رتبه‌های بعدی اهمیت قرار می‌گیرند. به این ترتیب حوزه فعالیت‌های موجود در خیابان ولی‌عصر به عنوان مهمترین حوزه هویت بخش و مولد خاطره‌انگیزی از نظر کاربران شناسایی شده اند و کالبد در درجه بعدی قرار گرفته‌اند. (شکل ۴ و ۵).



شکل ۴- نمودار دایره‌ای سهم هر یک از شاخص‌های سه گانه در شکل دهی به کیفیت خاطره‌انگیزی و هویت
منبع: نگارندگان



شکل ۵. تحلیل اسپایدر اهمیت فاکتورهای هویت و خاطره‌انگیزی در خیابان ولی‌عصر
منبع: نگارندگان

تعیین اولویت اقدامات از دیدگاه کاربران

در جهت تبیین راهکارهای ارتقای خاطره‌انگیزی خیابان ولی عصر، پنج دسته راهکار تعریف شدند. پیشنهادات کاربران که برخی نیز در قالب پاسخ به سوالات باز مطرح شده بود در قالب جدول شماره ۳ آمده است.

جدول ۳ : اولویت نسبی راهکارها و اقدامات بهبود کیفیت خاطره‌انگیزی و تصویرپذیری خیابان ولی عصر از دید کاربران

نوع راهکار	درصد	سیاست	درصد
راهکارهای معماری و طراحی شهری	۲۴/۱۴	ساخت بناهای شاخص و نشانه‌های شهری	۹/۳۶
		بهبود منظر و هماهنگی با چشم انداز طبیعی	۸/۳۷
		افزایش ایمنی و امنیت در محور	۶/۴۱
بهبود تسهیلات و مبلمان شهری	۲۳/۴۱	بهبود امکانات بهداشتی و رفاهی	۷/۰۲
		افزایش امکانات فراغتی	۱۱/۲۱
		بهبود مبلمان شهری	۵/۱۸
برنامه ریزی کاربری زمین	۱۹/۲۸	افزایش تعداد کاربری‌های فراغتی ریزدانه	۶/۴۳
		ساماندهی کاربری‌های مزاحم و مسبب ازدحام	۱۲/۸۵
ترافیکی	۱۱/۷۰	کاهش مزاحمت جریان عبوری خودروها برای عابرین و تأکید بر پیاده مداری	۱۱/۷۰
شخصیت پردازی فضا	۲۱/۴۷	تقویت ویژگی‌های منحصر به فرد فضا	۱۰/۱۲
		استفاده از اشکال، فرم‌ها و عناصر تاریخی و واحد ارزش	۱۱/۳۵

منبع: نگارندگان

نتیجه گیری

هرچند تاکنون نقدهای بسیاری به رویکرد مدرنیسم در یکسان انگاری مساله هویت انسانی شده و در حوزه مطالعات شهری پژوهش‌های در زمینه ارتباط زندگی شهری با مساله خاطره، هویت و ریشه‌های زمانی-مکانی سکونت صورت گرفته است، اما در بسیاری طرح‌ها و برنامه‌های شهری برنامه‌ریزان و طراحان توجهی به مساله خاطره شهری و حافظه جمعی ندارند. بنا به مطالعات انجام پذیرفته، سه حوزه خصوصیات کالبدی، فعالیت، معنا شکل گرفته از حیات هر روزه اذهان شهرondonان، زمینه‌های شکل‌گیری هویت و خاطره در محیط‌های شهری است. هرگونه اقدامی در زمینه ارتقای کیفیت فضاهای و افزایش خاطره‌انگیزی باید در جهت تعادل بخشی بین این سه حوزه و شاخص‌سازی محدوده مورد نظر صورت گیرد. در رابطه با ایجاد شناخت موردنظر مطالعه ریخت شناسی عناصر کالبدی، نماها و خط آسمان، کیفیت فضاهای شهری، لبه‌های خیابان‌ها، نشانه‌های شهری، یادمان‌ها، مجسمه‌ها، منظر طبیعی و طرز آمیزش آن با محیط مصنوع، تقویت فعالیت‌های اجتماعی و تفریحی و ایجاد مکان‌های سوم (در کنار مکان‌های نوع اول و دوم، کار و سکونت) چون کافه‌ها و رستوران‌ها، گالری‌ها، فرهنگسراه‌ها، تاکید بر کارکردهای روزانه و شبانه، ایمنی و امنیت، بهبود تسهیلات و مبلمان شهری و تاکید بر هویت، خاطره و معنای محیط‌های شهری باستی مورد توجه برنامه‌ریزان و طراحان شهری قرار گیرد.

استفاده از نظر کاربران فضا و مشارکت مردمی در مطالعه کیفیت محیط‌های شهری، موجب می‌شود تا ارزش‌های هویتی و میراث خاطره شهروندان که ممکن است از دید مدیران شهری و برنامه‌ریزان توسعه پوشیده باشد، آشکار شود. این رویکرد مشارکتی با تأکید بر هویت محیط و حیات شهری در افزایش خاطره انگیزی، روندی زمانبر و نیازمند توجه و مطالعات گستره‌ده و مشارکت جویی وسیع از کاربران فضاهای بافت‌های شهری است که بر سیاست‌ها و اقدامات چند‌وجهی و جامع نگر با افزایش تعاملات اجتماعی و معنابخش به محیط از طریق خود شهروندان تاکید دارد و با استفاده از تفاوت خوانش‌ها و تکثر سلائق موجب افزایش پایداری اجتماعی و محلی می‌شود. پایداری که حاصل فعال شدن پتانسیل‌ها، حفظ ایجاد بسترهای خلق خاطره و تجربیات شهری است. نتایج پژوهش حاضر در محدوده مطالعه، نشان می‌دهد که حوزه‌های فعالیت و معنا از نظر کاربران واجد اهمیت بیشتری از عناصر کالبدی است و همین امر اهمیت برنامه‌ریزی در جهت ارتقای فعالیت‌های تفریحی و اجتماعی را نشان می‌دهد. برنامه‌ریزی برای بهبود عامل کالبدی نیز بایستی در جهت افزایش امکان شکل‌گیری فعالیت‌های متنوع و نیز بهبود تصویر و سیمای محیط در ذهن کاربران فضا باشد تا موجب ارتقای میراث هویت و خاطرات جمعی و تجمع میراث ناشی از زندگی هر روزه شهروندان در محیط‌های شهری شود.

پی‌نوشت‌ها

1Flaneur

2Hauntology

3Ontology

4Collective Memory

۵- همان طور که گفته شد، جامعه نامحدود اماری، جامعه‌ای است که حجم نمونه در مقایسه با حجم جامعه ناچیز است (۱۹۸۷: ۶۶). Dickey and Watts

6 Validity

7 Reliability

8. Face Validity

9. Pretest

10 Cronbach's Alpha

منابع

- اورکاد، ب. (۱۳۷۵). شهرسازی و بحران شهری در عهد محمد رضا پهلوی در تهران پایتخت دویست ساله: زیر نظر شهریار عدل و برنار اورکاد. انجمن ایران شناسی فرانسه، صص ۲۴۹-۲۳۱.
- حبیب، ف. و نادری، م. و فروزانگهر، حمیده. (۱۳۸۷). پرسمان تبعی در گفتمان کالبد شهر و هویت. نشریه هویت شهر، سال دوم، شماره ۳، صص ۲۳-۱۳.
- خستو، م. و سعیدی رضوانی، نوید. (۱۳۸۹). عوامل موثر بر خاطره انگیزی فضاهای شهری: خلق یک فضای شهری سرزنشده با تکیه بر مفهوم مرکز خرید پیاده. نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره ۶، صص ۷۴-۶۳.
- گلکار، کورش. (۱۳۸۶). مفهوم کیفیت خاطره انگیزی در طراحی شهری. نشریه صفحه، سال شانزدهم، شماره ۴۴، صص ۷۵-۶۶.
- سلطانی، ع. و نامداریان، ا.ع. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر نیروهای مختلف در شکل گیری فضای شهری. نشریه هویت شهر، شماره ۷، صص ۱۳۰-۱۲۳.
- سلطانی، ع. و نامداریان، ا.ع. (۱۳۹۰). تحلیل نقش فضاهای شهری در دستیابی به توسعه پایدار شهرها، تبیین. پارادایم ارتباط. نشریه باغ نظر، شماره ۱۸، صص ۱۲-۳.
- لطفی، س. (۱۳۹۰). بازارآفرینی شهری فرهنگ مبنای تاملی بر بن مایه‌های فرهنگی و کنش بازارآفرینی. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۴۵، صص ۶۰-۴۷.
- میرمقتدایی، م. (۱۳۸۸). معیارهای سنجش امکان شکل گیری، ثبت و انتقال خاطرات جمعی در شهر- مطالعه موردی شهر تهران. نشریه هنرهای زیبا، شماره ۳۷، صص ۱۶-۵.

1. Assmann, A. and Conrad, S. (2010). *Memory in a global age: Discourses, Practices and Trajectories*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
2. Balsas, C.J.T. (2004). Measuring the Livability of an Urban Centre: An exploratory study of key performance Indicators. *Planning, Practice and Research (JPPR)*, Vol.19, No.1, pp.101-110.
3. Benjamin, W. (1999). *The Arcades Project*, trans. Eiland, H. and McLaughlin, K., Cambridge, MA: Belknap Press.
4. Busa, A. (2010). City of Memory, in: *Encyclopedia of urban studies*. Ray Huchison (ed.) , SAGE Publications, pp. 160-158.
5. Canter, D.V. (1977). *The Psychology of Place*.London: The Architecture Press.
6. Crinson, M. (2005). *Urban Memory: History and Amnesia in the Modern City*. New York: Rutledge.
7. Derrida, J. (1994). *Specters of Marx: The State of the Dept, The work of Mourning and The New International*, Peggy Kamuf (trans.). London and New York: Rutledge.
8. Freud, S. (1989). *Civilization and Its Discontent*. trans. Gay, P., New York: Norton.
9. Gehl, J. (1987). *Life between Buildings*. Van Nostrand Reinhold Press, pp. 1-10.
10. Groat, L.N. (2000). Civic Meaning: The role of place, typology and design values in urbanism. *Carolina Planning*, Vol.25, No.1, pp.13-25.
11. Hurley, A. (2010). *Beyond Preservation: Using Public History to Revitalize Inner-Cities*. Philadelphia: Temple University Press.
12. Huyssen, A. (1997). *The Voids of Berlin*. *Cultural Inquiry*, Vol.24, No.1, pp. 58-81.
13. Huyssen, A. (2003). *Present Pasts: Urban palimpsest and the politics of memory*. Palo Alto, CA: Stanford University Press.
14. INHERIT (2007). *Investing in Heritage: A guide to successful Urban Regeneration*. INHERIT Partner Organization, European Association of Historic Towns and Regions (EAHTR).
15. Ladd, B. (1997). *The Ghosts of Berlin: Confronting German History in the Urban Landscape*. Chicago: University of Chicago Press.
16. Lefebvre, H. (1991). *The Production of Space*, Oxford. UK: Blackwell.
17. Montgomery, J. (1998). *Making a City: Urbanity, Vitality and Urban Design*. *Journal of Urban Design (JUD)*, Vol.3, No.1, pp.93-116
18. Montgomery, J. (2003). *Cultural quarters as mechanisms for urban regeneration. Part 1: Conceptualizing cultural quarters*. *Planning, Practice & Research*, Vol.18, No.4, pp. 293-306.
19. Mumford, L. (1981). *The Culture of Cities*. Westport, CT: Greenwood Press.
20. O'Donnell, M.O. (2008). *Urban Cultural Landscapes and The Spirit of Place*. ICOMOS, Quebec: 77-hFCw-13.doc.
21. Rossi, A. (1984). *The Architecture of the City*. Cambridge: MIT Press.
22. Sime, J.D. (1995). *Creating Places or Design Spaces*. In: L.N. Groat (Ed.): *Giving Places Meaning*. London: Academic Press, pp. 27-41.
23. Sternberg, E. (2000). *An Integrative Theory of Urban Design*. *Journal of American Planning Association (JAPA)*, Vol.66, No.3, pp.265-278.